

**A Psycho-analytic Criticism of the Hero in Amir Taj Al-Sir's
Novel 'French Perfume' Based on Henry Murray's Theory of
Needs***

Behnam Farsi

Assistant Professor in Arabic Language and Literature, Yazd University

Salma Ghayoomi

M.A. of Arabic Language and Literature, Yazd University

Abstract

Psychological criticism is one of the contemporary literary approaches which helps to analyze characters psychologically and to understand literary works better. A famous theory in this regard is the theory of needs; proposed by American psychologist Henry Murray. According to this theory, needs are induced by the pressures of life, and human beings respond to them in various ways. By defining the theory of needs and using a descriptive-analytic method, this study aimed to detect the types of pressure that had imposed needs to the hero in the novel 'French Perfume' and to mark those pressures that the hero responded. The study also sought to specify which pressure had the highest influence and why. As the results indicated, social, economic, and political problems, which were in the Alpha Press category, led to psychological pressures, categorized as Beta Press. These pressures, in turn, led to certain needs, like the needs felt by the protagonist of the novel. He tried to overcome external and internal pressures by meeting such secondary needs as understanding, domination, pretention, libido, reprobation, self-restraint, respect, invulnerability, affection and pugnacity. In spite of his attempts, he ended up in a character break-up.

Keywords: Psycho-analytic criticism, Henry Murray, Theory of needs, Amir Taj Al-Sir, French Perfume

-Received on:26/10/2019

Accepted on: 24/12/2019

-Email: Behnam.farsi@yazd.ac.ir

-DOI: 10.30479/lm.2019.12054.2920

نقد روانشناختی قهرمان در رمان «العطر الفرانسی» اثر امیر تاج السر بر اساس نظریه

نیازهای هنری موری*

بهنام فارسی، استادیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه یزد
 سلما قیومی، دانشجوی کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات عربی دانشگاه یزد

چکیده

نقد روانشناسی یکی از رویکردهای نقد ادبی معاصر است که با وجود ابهامات و کاستی‌های آن در تحلیل روانی شخصیت‌ها و فهم بهتر آثار ادبی به پژوهشگران کمک شایانی می‌کند. یکی از نظریه‌های مطرح در این رویکرد نقدی، نظریه «نیازها» است که نخستین بار «هنری موری» روانشناس آمریکایی آن را مطرح ساخت. از نظر او نیازها به علت وجود فشار در انسان خودنمایی می‌کنند و انسان برای رفع آنها و پاسخ‌دادن به نیازهای خود از راه‌های گوناگون بهره می‌گیرد. این پژوهش علل بروز نیازها در قهرمان رمان «العطر الفرانسی» را بررسی کرده و کوشیده است تا به دو روش توصیفی-تحلیلی و آماری، مهم‌ترین نیازهای او را مشخص و اسباب غلبه یک نیاز بر نیازهای دیگر را واکاوی نماید. نتیجه آنکه مشکلات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی که در زمره «آلفا پرس» به حساب می‌آیند، سبب به وجود آمدن فشار روانی (بتا پرس) و به دنبال آن احساس نیاز در شخصیت اصلی داستان می‌شود؛ او سعی دارد تا با برطرف کردن نیازهای ثانویه؛ همچون فهم، سلطه‌جویی، نمایش، میل جنسی، طرد، خویشتن‌پایی، دنباله‌روی (احترام)، آسیب‌گریزی، مهرورزی و پرخاشگری، بر فشارهای درونی و بیرونی فائق آید؛ اما در نهایت دچار فروپاشی شخصیت می‌شود و نمود بیشترِ نیاز «فهم» در این رمان، از عدم پاسخگویی صحیح بدین نیاز حکایت می‌کند.

کلمات کلیدی: نقد روانشناختی، هنری موری، نظریه نیازها، امیر تاج السر، العطر الفرانسی.

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۰۸/۰۴ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۸/۱۰/۰۳

- نشانی پست الکترونیکی (نویسنده مسؤول): behnam.farsi@yazd.ac.ir

- شناسه دیجیتال (DOI): 10.30479/lm.2019.12054.2920

۱. مقدمه

تحلیل روان‌شناسانهٔ متن ادبی که به صورت ابتدایی از زمان کهن وجود داشته؛ در عصر جدید، با ظهور مکاتب روانشناسی، بسیار پیشرفت کرده است. (فرزاد، ۱۳۷۸: ۷۸) روانشناسی و ادبیات هر دو به موضوع مشترک که افکار، عواطف و خیال است، می‌پردازند و ادبیات عرب نیز از این ارتباط مستثنا نیست. در میان ادیبان جهان عرب، «عبدالقادر جرجانی» از پیشگامان تشریح دلالت‌های روانی برای تعبیرات ادبی به شمار می‌آید. او معتقد بود که روان آدمی در پدیدآمدن تعبیرات ادبی تأثیر قابل توجهی دارد. (بخشی، ۱۳۹۳: ۲۴)

پیوند عمیق میان ادبیات و روانشناسی سبب شد تا شاخه‌ای از پژوهش‌های ادبی به سمت روانشناسی گرایش یابد و دانشی به نام «نقد روانشناختی» در آثار ادبی پا به عرصهٔ ظهور گذارد.

نظریه «نیازها» مهم‌ترین خدمت «هنری موری»^۲ در روانشناسی شخصیت به شمار می‌آید. او فهرستی از ۲۰ نیاز انسان را تدوین و ارائه کرد که خواری‌طلبی، پیشرفت، پیوندجویی، پرخاشگری، خودمختاری، مقابله، خویشتن‌پایی، دنباله‌روی، سلطه‌گری، نمایش، آسیب‌گریزی، تحقیرگریزی، مهرورزی، نظم، بازی، طرد، شناخت‌حسی، میل جنسی، مهرطلبی و فهم از نیازهای ذکر شده در فهرست او می‌باشد.

رمان «العطر الفرنسي» نوشتهٔ امیرتاج السر (۱۹۷۰- تاکنون) بیانگر تلاش‌های بی‌وقفهٔ مردم عامی سودان برای پاسخگویی به نیازهایی است که حکومت وقت هیچ کمکی به برآورده ساختن آنها نکرده است. شخصیت اصلی رمان «علی جرجار» نمایندهٔ همین طبقه است که با توجه به فشارهای موجود، با توسل به برخی اعمال، سعی در رفع نیازهای خود دارد. این مقاله می‌کوشد نوع نیازهای قهرمان و راه‌های برآورده ساختن آن را بررسی نماید و به سؤالات زیر پاسخ دهد:

۱- مهم‌ترین عامل تحریک قهرمان در پاسخگویی به نیازهایش چیست؟

۲- قهرمان، در پی پاسخگویی به کدام نیازهاست و میل به برآورده ساختن آنها چه سرنوشتی را برای او رقم می‌زند؟

۳- در رمان، کدام نیاز قهرمان نمود بیشتری دارد و دلیل آن چیست؟

۱-۱. پیشینهٔ پژوهش

در خصوص نظریهٔ هنری موری، مقاله‌ها و تحقیق‌های زیادی صورت نگرفته است. نتیجهٔ جستجو در پایگاه‌های مختلف علمی ایران در این خصوص، مقاله‌ای است با عنوان «تحلیل رجزهای شاهنامه بر پایهٔ نظریه روانشناختی هنری موری»، نوشتهٔ محمد مهدی خطیبی و ابراهیم استاجی که در سال ۱۳۹۴ در مجلهٔ ادبیات حماسی دانشگاه لرستان منتشر شده و ضمن بررسی واژگان به کار رفته در نبردها و رجزخوانی‌ها به این نتیجه رسیده که نیاز به پرخاشگری مهم‌ترین ویژگی رجز و به نوعی شالودهٔ اصلی آن است.

«یگانه اکبرپور اصل» در سال ۱۳۹۶، پایان‌نامه‌ای با عنوان «بررسی و تحلیل روانشناسی شخصیت قهرمان رمان در رمان «سلوی فی مهب الريح» اثر محمود تیمور» نوشته و ضمن معرفی و بررسی رمان یاد شده، شخصیت قهرمان داستان را بر اساس نظریه نیازهای هنری موری بررسی و تحلیل کرده است.

درباره نویسنده و رمان مورد بحث، پژوهش‌هایی به شرح زیر انجام یافته است:

۱- در «حوار مع امیر تاج السر» از سوزان ابراهیم (۲۰۱۳)، منتشر شده در مجله الموقف الأدبی، ضمن مصاحبه با نویسنده درباره هریک از داستان‌های وی، بحث و تحلیل مختصری هم در خصوص کیفیت آنها صورت گرفته است.

۲- یوسف ضمهره در مقاله «العطر الفرنسي رواية أمير تاج السر» که در سال ۲۰۱۵ در «مجله افکار» منتشر ساخته؛ درباره داستان و شخصیت‌های آن بحث و خصوصاً علی جرجار و حواشی مربوط به وی را تحلیل کرده است.

حاصل جستجوها در پروژه‌های انجام شده در ایران، یک رساله دکتری با عنوان «بحران هویت در رمان‌های امیر تاج السر در پرتو نقد پسااستعماری» است که «بشری جزایری‌راد» در سال ۱۳۹۸ نوشته و چنین نتیجه گرفته که نویسنده در مجموعه آثار خود قصد داشته تا اوضاع کشور خود، سودان را به مخاطب نشان دهد. در این مجموعه، تمام شاخص‌های بحران (عقدۀ حقارت، تقلید از دیگری (غرب‌زدگی)، شیزوفرنی، اضطراب اختگی، از خودبیگانگی، عقب‌افتادگی و خشنونت) وجود دارد و در این میان، برخی از این شاخص‌ها دارای بسامدهای بیشتری هستند. از نظر او بحران هویت، حاصل کنش‌گری عوامل بیرونی (استعمار) و عوامل درونی (بحران اجتماعی و اقتصادی) می‌باشد. همچنین مقاله‌ای به زبان عربی با عنوان «فصام الهوية بين أنوثة قاهرة و رجولة مقهورة- قراءة ما بعد كولونيالية في رواية «العطر الفرنسي» لأمير تاج السر» نوشته فرامرز میزرایی و دیگران در مجله دراسات في اللغة العربية و آدابها؛ در سال ۱۳۹۷ از دیگر نتایج جستجو درباره این موضوع در ایران بود؛ نویسندگان در این مقاله با بررسی رمان از دیدگاه پسااستعماری به این نتیجه رسیدند که شخصیت‌های رمان، دچار بحران شخصیتی شده و ناتوانایی قهرمان داستان در به دست آوردن معشوقه غربی خیالی‌اش نشان‌دهنده عجز و ناتوانی شرق در رسیدن به دست‌آوردهای غربی است. با توجه به مطالب فوق، می‌توان گفت این موضوع برای اولین بار مطرح و مصادیق آن بررسی و تحلیل قرار می‌شود.

۲. مبانی نظری پژوهش

انسان، در طول زندگی خویش فشارهای گوناگونی را در سطوح مختلف تجربه می‌کند؛ این فشارها که عامل برانگیزاننده احساس نیاز در فرد هستند؛ از نیروی ادراک آدمی سرچشمه می‌گیرند و رفتار فرد را برای تغییر وضع نامطلوب تنظیم می‌کنند. در این بخش چارچوب کلی نظریه، برای تطبیق بهتر نظریه بر رمان تبیین می‌گردد.

۲-۱. نظریهٔ نیازها و عامل برانگیزانندهٔ آن

هنری موری از اولین کسانی بود که پژوهش‌های خود را معطوف به نظریهٔ نیازها کرد و معتقد بود که بین انگیزه و دفاع هیچ تفاوتی وجود ندارد و هر دو در راستای یک هدف هستند. (المیاحی، ۲۰۱۰: ۱۹۲) - مهم‌ترین خدمت موری به نظریهٔ پژوهش در شخصیت، استفاده او از مفهوم نیازها برای توضیح انگیزش و جهت‌دادن به رفتار انسان است. موری در فهرست خود که در سال ۱۹۸۸ میلادی آن را تنظیم کرده بود، ۲۰ نیاز درونی و بیرونی را ذکر نموده است (الطهراوی، ۲۰۱۴: ۲۲) که تعداد زیادی از آنها در شکل‌گیری رفتار فرد مؤثر است.

مهم این است که چه عاملی سبب می‌شود تا فرد در خود نیازی را احساس کند و در پی پاسخگویی به آن باشد؟ موری معتقد بود که عوامل خارجی یا داخلی یا هر دو سبب می‌شوند تا نیازها به بروز و ظهور برسند و بدون بررسی عوامل پیرامونی، نمی‌توان شخصیت فرد را واکاوی کرد. (روتز، ۱۹۷۶: ۱۰۶)

سطح بالایی از پویایی و تحرک زمانی است که دو مفهوم اساسی و پایه‌ای در رفتار انسان یعنی «نیاز» و «فشار» در معرض دید و بررسی قرار گیرد. (الرشیدی، ۱۹۹۹: ۵۷) هنری موری «فشار»^۳ را به نیروی وارده بر اشیاء یا افراد که در رسیدن یا نرسیدن به اهداف دخالت دارند؛ یعنی اثر محیط و رویدادهای گذشته در نیازهای کنونی و فعال کردن آنها، تعریف کرد. (روتز، ۱۹۷۶: ۱۰۶) محرک‌هایی که نیاز را بر می‌انگیزند، به فرد انگیزه می‌دهند تا به دنبال بعضی فشارها برود و از برخی از آنها پرهیز کند. (گنجی و گنجی، ۱۳۹۳: ۳۷۲) دو نوع فشار وجود دارد؛ «آلفاپرس»^۴ که ویژگی و صفات محیطی هستند و با اکتشاف علمی می‌توان آنها را تعیین کرد و «بتاپرس»^۵ که تفسیر خود فرد از پدیده‌هایی است که آنها را درک می‌کند و تعیین‌کنندهٔ رفتار انسان است. (فاروق، ۲۰۰۱: ۹۹) فشار، همان چیزی است که سبب می‌شود فرد در خود احساس نیاز کند و در پی پاسخگویی به آن باشد.

از نظر موری، نیاز^۶ شامل یک نیروی زیست-شیمیایی در مغز است که از آن برای سازمان‌دهی فرایندهای مغزی و ادراکی به منظور برآورده ساختن احتیاجات انسان استفاده می‌شود و امکان دارد ضعیف یا قوی و یا مستمر و دائمی باشد. (الطهراوی، ۲۰۱۴: ۱۲ و بوخظه و الآخرون، ۲۰۱۴: ۲۳) نیازها به رفتار نیرو می‌بخشد و آن را هدایت می‌کند. (شولتز و شولتز، ۱۳۷۷: ۲۲۱) موری، نیاز را یک نیروی دافعه و راهگشا در رفتار انسان می‌داند. (کالفین و لیندزی، ۱۹۷۸: ۲۳۲)

موری معتقد بود که نیازها دارای سلسله مراتبی هستند. بعضی نیازها ارجح^۷ هستند؛ یعنی بر سایر نیازها ارجحیت دارند و اگر برطرف نشوند به اضطراب تبدیل می‌شوند؛ موری این موضوع را «غلبهٔ نیاز» و چگونگی ارضا شدن نیازها را «آمیختگی نیازها» نامیده است. (گنجی و گنجی، ۱۳۹۳: ۳۷۱ و شولتز و شولتز، ۱۳۷۷: ۲۲۴)

موری، به منظور ایجاد امکان تعامل میان نیاز و فشار، مفهومی را با عنوان «تما» مطرح کرد. تما، عوامل شخصی نشأت گرفته از تجربیات اولیه کودکی را با فشارها ترکیب می‌کند و نیرویی قدرتمند در تعیین شخصیت است؛ این عنصر عمدتاً ناهشیار است و نیازها و فشارها را در الگویی ربط می‌دهد که استحکام، وحدت، نظم و یگانگی به رفتار می‌بخشد. (شیرافکن، ۱۳۹۱: ۳۲۰ و بوخطه و الآخرون، ۲۰۱۴: ۲۳)

نیاز، عامل برانگیزاننده رفتارهای گوناگون است و فشارهای درونی و محیطی می‌توانند بر شدت و ضعف بروز این نیازها تأثیرگذار باشند. فرد، برای برطرف کردن فشارهای سلطه‌یافته بر شخصیتش و همچنین رفع نیازهای ناشی از آن دست به انجام اقداماتی می‌زند که ممکن است با افراط و تفریط‌هایی نیز همراه باشد.

۳. بررسی نیازهای قهرمان رمان العطر الفرنسي

رمان «العطر الفرنسي» نیز همچون سایر رمان‌ها عرصه بروز نیازها و تلاش شخصیت‌ها بویژه «علی جرجار»، قهرمان داستان و تلاش برای رفع آنهاست. نیازهای موجود در متن رمان عبارتند از:

۳-۱. فهم^۹

جلب توجه کردن یک سؤال برای فرد، کوشش او برای ارائه پاسخ مناسب، تفکر و نتیجه‌گیری درباره آن است. (مورای، ۱۹۸۸: ۱۹۲)

در متن داستان، خبر آمدن کاتیا و مجهول بودن شخصیت او برای علی جرجار باعث شد تا نیاز به فهم در وجودش شکل بگیرد و او را وادار به حل و برطرف ساختن آن کند. در ابتدای داستان وقتی خبر آمدن «کاتیا» به گوش «علی جرجار» می‌رسد، درباره او سؤالاتی در ذهنش ایجاد می‌شود: «وما هي تلك الدراسة العالمية بالضبط؟... ولماذا حيي غائب بالذات من دون أحياء الكرة الأرضية؟... ومتى ستصل تلك الفرنسية؟... وما هو المطلوب من سكان الحي؟...» (تاج السر، ۲۰۰۹: ۷ و ۸) اما سؤالاتش پاسخی قانع کننده و دقیق به دنبال ندارد. پس از آن تصمیم می‌گیرد تا آن را به اهالی محله برساند ولی فقدان اطلاعات دقیق، وی را وادار می‌کند تا با «خیال‌پردازی» اطلاعاتی را ایجاد کند و درباره او به مردم خبر دهد: «جعل كاتيا كادويلي الفرنسية فتاة في العشرين من عمرها.. وضع حول عنقها عقداً من الماس....» (همان: ۱۱ و ۱۰). حتی به جایی می‌رسد که برای کسب اطلاعات درباره این بانوی فرانسوی، به اینترنت پناه می‌برد و اطلاعاتی را درباره او به دست می‌آورد: «...هل هنّ متزوجات؟... أيهن أوسع عينين في رايد ..» (همان: ۴۹). او برای گرفتن خبر درباره زمان آمدن کاتیا به نزد دوستش می‌رود: «أظنك جئت لتسأل عن مستجدات في خبر الفرنسية كاتيا... بالضبط هذا ما أريده، هل من مستجدات؟... هل هي مُمرضة أكتشفت غشا في أدوية الملاريا؟» (همان: ۶۲) و برای اطمینان از اینکه درست حدس زده، اطلاعاتی را به مبروک می‌دهد که شگفتی او را بر می‌انگیزد. او مدام درباره کاتیا جستجو و به کمک اینترنت تمام اطلاعات مربوط به کاتیا را از رنگ لباس تا غذاهایی که دوست دارد،

جمع آوری می‌کند؛ حتی اطلاعات پزشکی کاتیا نیز از دید او مخفی نمی‌ماند. هنگامی که آمدن «کاتیا» به تأخیر می‌افتد و مدام اخبار حضور و ملاقاتش با سران کشورهای آفریقایی به گوش علی جرجار می‌رسد، این سؤال برایش ایجاد می‌شود که: «ماذا ترى يحدث في تلك الضيافات الإفريقية؟ وماذا تقدم لهم ممرضة اكتشفت غشاً في دواء الملاريا وأصبحت نجمة؟» (همان: ۸۳). او با بیان این سؤال درصدد یافتن جوابی برای این موضوع مبهم بود ولی جوابی جز «أحسست بأن ذهني قد تعب، قدمائنا تعبنا وجسدي كله فريسة للتعب...» (همان) برایش به ارمغان نمی‌آورد. در حقیقت نیاز به فهم در او تا جایی پیش می‌رود که نهایتاً توان همیشگی‌اش از او ساقط شده و علائم بیماری در وجود او ظاهر می‌شود.

۲-۳. سلطه جویی^{۱۰}

کنترل کردن محیط، دیگران را به همکاری ترغیب کردن، متقاعد کردن دیگران به درست بودن عقیده خویش است. (الطهراوی، ۲۰۱۴: ۲۳ و مورای، ۱۹۸۸: ۱۹۲) فرد در این نیاز سعی می‌کند تا با متقاعد ساختن دیگران، نظر خود را به کرسی بنشانند و از این طریق محیط پیرامونی خود را تحت کنترل خویش در آورد. برای مثال می‌توان به این نمونه در رمان اشاره کرد:

صدای ذر، در محله به نوعی جزء فرهنگ آنجا به حساب می‌آمد: «... فأحدث ذلك الصريز المزج الذي كان أيضاً جزءاً من ثقافة أبواب البيوت في الحي...» (تاج السر، ۲۰۰۹: ۱۲) ولی پس از اینکه کاتیا آمد، این صدا، در نظر علی جرجار زجرآور و تبدیل به مانعی برای پیشرفت شد: «فتحت باب بيتي فأزعجتني صريزه لأول مرة، أحسست به عائقاً محتملاً، ربما يتأمر ليفسد حضارة أريد أن أتحصنها...» (همان: ۳۲) از این رو اقدام به حذف صدای مزاحم می‌کند و این کار را از خانه خود آغاز می‌نماید: «أسرعت إلى مطبخي الذي كان ركناً مبعثراً في البيت، أحضرت قليلاً من الزيت أخذت أصبه على مفاصل الباب حتى سكين توجعها، الآن أملك باباً سلساً، باباً يفتح و يُغلق من دون وعكة...» (همان) و پس از آن موضوع را به خانه‌های دیگر هم سرایت می‌دهد: «... كنت قد استعنت بشاكر تيمس الذي أفنعه سلامة بابي حين شاهده يفتح ويُغلق ... استغرقتنا عدة ساعات حتى تُنقع الجميع ومن ثم ساعاتٍ أخرى، حتى شُفيت معظم المفاصل... وسمعنا أن أبواباً كثيرة قد عولجت بواسطة مالكيها حين سمعوا أو شاهدوا ما حدث لبقية الأبواب...» (همان: ۴۳) او توانست از این طریق بر مردم و اهالی محله اثر بگذارد، آنها را با خود همراه کند و عقیده‌ای را که پیش از آن بد و غلط به نظر می‌رسید، در محله عملیاتی کند.

در این مثال می‌توان به صورت همزمان شاهد دو نیاز «سلطه جویی» و «نمایش^{۱۱}» بود. می‌توان مؤلفه‌های اصلی نمایش را اثر گذاشتن، دیده و شنیده شدن، مجذوب، سرگرم، شوکه، کنجکاو و وسوسه کردن و یا خنداندن دیگران دانست. (مورای، ۱۹۸۸: ۱۹۲) علی جرجار با دادن خبر آمدن کاتیا به افراد محله، حس کنجاوی آنها را تحریک کرده بود: «... یا جرجاز... ما خبر تلك الفرنسية يا علي؟ تسألني الجميلة جداً... خبر عادي يا سلفة تماماً كخبر عودة الكوسا إلى سوق الخضروات... قلتها و أنا أنسحب من أمامها... لكن الجميلة ما تزال واقفة، وشديدة الهياج وتشدني لأول مرة من ثيابي... أخبرني يا علي... أخبرني من فضلك...» (تاج السر، ۲۰۰۹: ۲۱ و ۲۲)

در این جمله، خبری که علی جرجار حامل آن بود، باعث شد تا «سلافه زیباروی» بر سر راه او سبز شود و از او اطلاعات بیشتری دربارهٔ مهمان فرانسوی محله‌شان طلب کند. در جای دیگر، فروشنده‌گان محله، پس از شنیدن خبر آمدن کاتیای فرانسوی به علی جرجار گفتند که پس از آمدن کاتیا تابلوهای مغازه‌شان را به اسم او خواهند زد: «... و حینَ أزاح القماشَ أمامي، وَجَدْتُ لَوْحَةً مِنْ تِلْكَ الَّتِي تُعَلِّقُ عَلَيَّ وَاجْهَاتِ الْمَحَلَّاتِ، مَكْتُوبٌ عَلَيْهَا بِخَطِّ عَرِيضٍ وَبِاللُّغَتَيْنِ الْعَرَبِيَّةِ وَالْأَنْجَلِيزِيَّةِ: بِقَالَةِ كَاتِيَا... قَالَ عَرَكِي: سَأَعْلَقُهَا عَلَيَّ مَحَلِّي حِينَ تَأْتِي صَاحِبَتُكَ وَسَتَجِدُ مَحَلَّاتٍ لِلْخِيَاطَةِ وَاللَّحْمِ وَالْخَضِرِ وَالْفَوَاكِهِ، تَحْمَلُ اسْمَهَا كَذَلِكَ...» (همان: ۴۱) علی جرجار با آوردن این خبر به نوعی در محله تأثیر گذاشته و باعث شده تا هم اهالی محله کنجکاو شوند هم تحت تأثیر آن، فرهنگ محله و اسم مغازه‌ها تغییر یابد.

۳-۳. میل جنسی^{۱۲}

برقرارکردن رابطهٔ شهوانی. (کالفین و لیندزی، ۱۹۷۸: ۲۳۲) در متن رمان می‌توان به زن‌بارگی و روابط نامشروع علی جرجار پی برد: «...في سينما الخواجة التي كنتُ أرتادها كلما مللتُ من عشقِ النساءِ المحليات: حواء، أمونة، سلیمة العرجاء، فاطمة، جواهر، زهورات... بانعاتِ شاي الفقر والخدماتِ، النازحاتِ من إثيوبيا.» (تاج السر، ۲۰۰۹: ۱۹) علی جرجار عنوان می‌کند که پس از دلزده‌شدن از زنان متعدد، به سینما پناه می‌برد و خود را با فیلم دیدن مشغول می‌کند؛ اما پس از آمدن کاتیا، این تجربه برای علی جرجار دلزدگی و تنفر ایجاد می‌کند و سبب می‌شود تا او قصد ترک و فراموشی تجربه‌های گذشته خود را داشته باشد. «...ولم أطرب إستغریبُ لِأَنِّي لَمْ أُطْرِبُ وَ إِسْتَتَجْتُ فِي نَفْسِ اللَّحْظَةِ أَنَّ خَبَرَ الْمَوْسِيقِي الْفَرَنْسِيَّةِ الْقَادِمَةِ مِنْ بَعِيدٍ قَدْ غَيَّرَ التَّنْذِيقَ لِأَبَدًا...» (همان: ۲۱) در دو عبارت «...و لِلْحَظَّةِ أَخَذْتُ أَفْكَرُ فِي حَيَاتِي التَّافِهَةَ الْقَدِيمَةَ كُلِّهَا... فاطمه، جواهر، ست النساء، زهورات، سریره... لا يملكنَ ماضياً ليفخرنَ به و لا مستقبلاً يرتقي بهنَّ...» و «كانت في تلك الرِّقَّةِ وَجوهُ النساءِ من ضحايا حياتي الفاسدةِ القديمةِ لكتِّها لم تكن غاضيةً و لا مستاءةً...» (همان: ۱۲۹ و ۱۳۰) این موضوع مجدداً به چشم می‌خورد. ولی او به این مسأله نیز اشاره دارد که این گذشته، گذشته‌ای فاسد، بی‌ارزش و مایهٔ سرافکنده‌گی است.

از وجود این نیاز می‌توان به از بین رفتن بخش «فرامن» شخصیت پی‌برد؛ از نظر موری، فرامن، درونی‌کردن ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگ است که به وسیلهٔ آنها به رفتار خود و دیگران قضاوت و ارزیابی می‌شود. (شولتز و شولتز، ۱۳۷۷: ۲۲۰) این موضوع که «علی جرجار» تمایل به ارتباط نامشروع با زنان گوناگون دارد به نوعی در نظر اجتماع غیر قابل پذیرش است و این نتیجه از آن حاصل می‌شود که «فرامن» در شخصیت او کارکرد خود را از دست داده است.

۳-۴. طرد^{۱۳}

کنار گذاشتن، ترک و بیرون کردن یا بی‌اعتنایی نسبت به فرد حقیرتر و مؤاخذه دیگری و قطع رابطه با اوست. (شولتز و شولتز، ۱۳۷۷: ۲۲۳) در این عبارت «...تَعَكَّرَ وَجْهَ الْإِثْيُوبِيَةِ أَرْتُو الَّتِي كَانَتْ تَعْمَلُ خَادِمَةً لَدَى قَارِنَةِ الْمَصَائِرِ زَمْنًا طَوِيلًا، ... لَمْ أُدْعِدْ مَشَاعِرَهَا بِطَلْبِ الزَّوْجِ فَقَطْ، لَكِنِّي تَرَكْتُهَا تَرْتَدِي فَسْتَانًا أَيْضًا... تَرَكْتُهَا تَرْتَدِي حَلْمًا دَافِنًا وَوَهْمًا بِحَيَاةٍ سَعِيدَةٍ بَعِيدَةٍ عَنِ خِدْمَةِ الْبُيُوتِ وَهَرَبْتُ فِي لَيْلَةِ الرَّفَافِ.» (تاج السر، ۲۰۰۹: ۲۳) علی جرجار به این موضوع اشاره می‌کند که در شب عروسی به زهورات اتیویایی بی‌اعتنایی و او را طرد کرده است.

البته می‌توان در این مثال، شاهد دو نیاز «طرد» و «خویشتن‌پایی^{۱۴}» بود. در خویشتن‌پایی، فرد از خود در برابر حمله، انتقاد و سرزنش دفاع می‌کند و از این طریق، خلاف‌کاری، شکست یا شرمندگی و سر-افکنندگی خود را توجیه می‌نماید. (شولتز و شولتز، ۱۳۷۷: ۲۲۲) در مثال بالا، ابتدا علی جرجار با ذکر کردن این موضوع که زهورات اتیویایی خدمتکار حلیمه کف‌بین است، قصد دارد تا جایگاه او را پایین‌تر از جایگاه خودش به عنوان کسی که با افراد حکومتی در ارتباط است و در کمیتهٔ استقبال از کاتیا حضور یافته، به مخاطب خود معرفی کند تا از این طریق خطای طرد کردن و قطع ارتباط با او در شب عروسی را توجیه نماید. در عبارت «لَمْ أُجَسِّ بِحَوَاءٍ غَيْرِ تَارِيخٍ مُتَخَلِّفٍ أَيْضًا عَلَيْهِ أَنْ يَمُوتَ الْآنَ. مَزَقْتُ الصُّورَةَ وَأَلْقَيْتُهَا عَلَى الْأَرْضِ... لِيُظَلَّ مَكَانَهَا خَالِيًا فِي الْيَوْمِ الصُّورِ، رُبَّمَا لِشِغْلِهِ فِيمَا بَعْدَ صُورَةٍ أَشَدُّ جَازِبِيَةً.» (تاج السر، ۲۰۰۹: ۳۴) جرجار پس از آنکه دربارهٔ کاتیا اطلاعاتی پیدا کرد، به این نتیجه رسید که تمام تجربه‌های قبل از او حقیرتر از تجربهٔ پیش‌روی اوست. او با پاره کردن عکس «حواء» قصد داشته تا آن موضوع و تجربه را از دایره ذهنش خارج کند.

۳-۵. دنباله‌روی (احترام)^{۱۵}

تحسین فردی برتر و پشتیبانی از او، تسلیم شدن مشتاقانه در برابر فردی هم‌پیمان و پیروی کردن از آداب و رسوم است. (مورای، ۱۹۸۸: ۱۹۱) در داستان می‌توان گفت که کاتیا به دلیل اینکه از فرهنگی بالاتر به محله آمده است به نوعی مافوق (فرد برتر) داستان به حساب می‌آید و علی جرجار نیز پس از کسب اطلاعات دربارهٔ کاتیا مشتاق او شده به دنبال اطلاعات بیشتری دربارهٔ او می‌رود و سعی می‌کند تا خودش را مطابق علایق و سلیقهٔ کاتیا تغییر دهد. پس از اینکه مطلع می‌شود او به رنگ آبی علاقه دارد: «و لَاحِظْتُ أَنَّهَا تَرْتَدِي فِي كُلِّ الصُّورِ ثَوْبًا أَزْرَقَ، مُودِيَلَاتٍ مُخْتَلِفَةً بِلَوْنِ أَزْرَقٍ... كَانَتْ إِكْتِشَافًا مُذْهَلًا فِي الْحَقِيقَةِ...» (تاج السر، ۲۰۰۹: ۷۳ و ۷۴) به دنبال تهیهٔ لباس‌هایی با رنگ آبی می‌رود «أَعُودُ إِلَى الْإِغْرِيقَةِ كُوسْتَا فِي السُّوقِ الْكَبِيرِ، أَفَاوِضُهُ بِمَشَقَّةٍ وَاسْتَبَدَلْتُ قَمِصَانِي وَبَنَاطِيلِي الَّتِي اشْتَرَيْتُهَا مِنِّي بِأَخْرَى كَلِّهَا زَرْقَاءَ...» (همان) رنگ خانه‌اش را هم به آن رنگ تغییر می‌دهد: «...التَّفْتُ إِلَى بَيْتِي أَنْقَبَ عَنِ الْإِزْرَقِ بِدَاخِلِهِ...» (همان)

نمونه‌های فوق نشان‌دهنده این مطلب است که «علی جرجار» از این طریق می‌کوشد تا نیاز به دنباله‌روی و احترام را در خود ارضا کند. موری با ارائه دیدگاهی نو دربارهٔ نهاد، بر آن عقیده است که نهاد، گرایش‌های همدلی، تقلید و همانندسازی، انواع عشق به غیر از عشق‌های شهوانی و گرایش به غلبه کردن بر محیط فرد را در بر دارد. (شولتز و شولتز، ۱۳۷۷: ۲۲۰) در نیازهای «دنباله‌روی» و «مهرورزی»^{۱۶} این تعریف از نهاد وجود دارد.

۳-۶. آسیب‌گریزی^{۱۷}

اجتناب از رنج، صدمهٔ بدنی، بیماری و مرگ، گریز از موقعیت خطرناک و انجام اقدامات احتیاطی است. (الطهراوی، ۲۰۱۴: ۲۳ و مورای، ۱۹۸۸: ۱۹۲) در بخش‌های آغازین رمان، نویسنده این موضوع را عنوان می‌کند که «علی جرجار» فردی است که به سلامتی خود بسیار اهمیت می‌دهد: «وكان يُبَاهِي دائماً بمقاومته لمرض الملاريا وحمى التيفوئيد والنزلات المعوية الموسمية...» (تاج السر، ۲۰۰۹: ۹)؛ او در این جمله به این نکته اشاره دارد که او از تمام بیماری‌هایی که حتی رهبران کشورها هم از آسیب و گزند آنها در امان نبودند، خود را حفظ کرده. این جمله نیز مظهر تأییدی بر ادعای مطرح‌شده است: «وابتدأ من سنِّ مبكر في تدريب ماثتیه علی عدم حبس التبول ورتتیه علی عدم السعال أبداً وذاكرته علی عدم الخرف حتی لو بلغت سنه المئته...» (همان). نویسنده توضیح می‌دهد که علی جرجار با انجام اقداماتی احتیاطی، سعی دارد سلامتی خودش را حفظ و از مبتلاشدن به بیماری جلوگیری کند و برای حفظ صحت و سلامتی خودش برنامه‌ای منظم در نظر می‌گیرد تا بتواند تا سن ۱۰۰ سالگی بدون مشکل زندگی کند: «...كانت تلك ساعتة اليومية في تدريب ذهنيه علی عدم الخرف ليصل إلى سن المئته بلا مشاكل، لتدريب رتتیه علی عدم السعال أو الإنهزام أمام الإنفلونزا ومثاتیه علی عدم حبس التبول الذي لن ينجو منه إذا ما تركها بلا تدريب...» (همان: ۱۲) در مثالی دیگر، او تمایل نداشت تا حلیمهٔ کف‌بین، کف دست او را بخواند و او را از سرنوشت و طالعش باخبر سازد، چرا که می‌ترسید «...أخاف أن يكون مصيري قد غدا بانساً...» (همان: ۸۴)؛ او می‌خواست تا با سر باززدن از این کار، رنجی را که از شنیدن خبرهای نحس ممکن بود بر او تحمیل شود از بین ببرد.

۳-۷. مهرورزی

همدردی با فردی درمانده، طفل یا فردی ضعیف، معلول، خسته یا بی‌تجربه، سرافکنده، تنها و مأیوس و ارضای نیازهای آنهاست. (الطهراوی، ۲۰۱۴: ۲۳) برای مثال، علی جرجار سعی دارد تا به «میخائیل قبطی»، یکی از ساکنان محله کمک کند تا با توسل به افراد دیگر، او را از محله خارج سازد. ابتدا او نسبت به حوادث تلخی که برای میخائیل اتفاق افتاده احساس همدردی می‌کند، وعدهٔ کمک به او می‌دهد و می‌گوید: «حسناً سأقدمك إليها بعد أن أقدم نفسي أولاً... لا تحزن... فلتها تطبيقاً للخاطر...» (تاج السر، ۲۰۰۹: ۳۷) در ادامه و پس از رخ دادن اتفاقاتی ناخوشایند برای قبطی، علی جرجار در وجود خود، احساس ناراحتی می‌-

کند و به خود این وعده را می‌دهد که به او کمک نماید تا مشکلاتش حل شود: «...وأحسستُ بِخسارةِ القبطي حين ماتت ذكرياته كلها ودُفنت تحت الأرض..... لن أترك ميخا القبطي بأي حالٍ من الأحوال، لن أتركه ليموت أو يُجنَّ. قد أحاولُ تهجيرَه بطريقةٍ أو بأخرى...» (همان: ۶۴) و از طریق جمع‌آوری کمک از نهادهای خیریه «...ثم أحرُضُ عركي صاحبَ البقالةِ الثعلب ليأخذَه رسالةً فريدةً وعاجلةً إلى إحدى جمعيات الخيري في الخليج...» (همان) برایش امکاناتی را فراهم‌آورد تا به زندگی‌اش سر و سامانی بخشد. این دلداری‌دادن و ابراز همدردی در بخش‌های مختلف رمان قابل مشاهده است؛ او با گفتن «يُوجدُ حلٌّ يا أخي، لا تبتسئ...» (همان: ۸۷) سعی داشت تا اضطراب و دلهره میخائیل قبطی را از بین ببرد و او را آرام کند؛ حتی با گریه‌های قبطی اشک می‌ریزد و اندوهگین می‌شود «...لكنني ما ألبث أن أحسَّ بالتعاطفِ وأكادُ أبكي مأساته كما يبكيها.» (همان: ۹۸)؛ این مثال‌ها نشان‌دهنده نیاز فرد به ابراز همدردی با شخص مقابل است.

۳-۸. پرخاشگری^{۱۸}

غلبه کردن به زور بر مخالفان، جنگیدن، حمله کردن، صدمه زدن یا کشتن دیگری، تحقیر کردن یا مسخره کردن مغرضانه دیگری است. (مورای، ۱۹۸۸: ۱۹۱) در رمان، علی جرجار که گمان می‌کند اهالی محل به همسرش نظر سوء دارند؛ در یک جنون آنی آنها را ضرب و شتم می‌کند: «لا أعرفُ بالتحديد ماذا حدث لي، لكنني تشنَّجتُ كطائرٍ ذبيح، أمسكتُ باللوحَةِ المعينةِ ومزقتها وركضتُ إلى شمعةٍ حيث كان يعرضُ فانوساً... انتزعتُ الفانوسَ من يده وألقيتهُ على الأرضِ شددتهُ من قميصه وصفعتهُ على وجهه و أنا أصرخُ بانفعالٍ: يا سافلٌ... لو فعلتُ ذلك مرةً أخرى مع زوجتي، سأقتلك...» (تاج السر، ۲۰۰۹: ۱۳۵ و ۱۳۶) در قسمتی دیگر از رمان این موضوع قابل مشاهده است: «...وأخرجتُ سكينِي ورأيتُ رُعباً في عيني البقال، لم أره أبداً في عيني أحدٍ من قبلٍ لوحتُ بالسكين في وجهه... وهويتُ على رأسه بالعصاء ليخرجَ الوجعَ والدمَ.... و سكينِي حمراءُ يقطرُ منها الشرُّ والدمُ» (همان: ۱۳۹) حتی او به معشوقه خود «کاتیا» هم رحم نکرد و او نیز قربانی سوءظن و پرخاشگری علی جرجار شد: «...كانت كاتيا مهدمةً،... لم تقاوم حين أمسكتها من كتفيها وحين ألقىتُ بجسديها على الأرضِ، وحين غرستُ سكينِي في موضعٍ طري، لم يكنُ إلا أحشاءها...» (همان: ۱۴۰) علی جرجار سعی دارد تا از طریق حمله کردن و آسیب زدن به اطرافیانش، نیاز به پرخاشگری را در خود ارضا نماید و دلیل آن را هم غیرتی شدن خود عنوان می‌کند.

موری در تعریف «من» به این موضوع اعتقاد دارد که «من» ضمن کنترل منطقی شخصیت، سازمان-دهنده اصلی کل رفتار است؛ (شولتز و شولتز، ۱۳۷۷: ۲۲۱) اما در داستان هنگامی که علی جرجار با حالتی جنون‌آمیز اقدام به حمله و پرخاش به اهالی محله می‌کند این بخش از شخصیت او دیگر فعالیت ندارد و ویژگی اصلی خود؛ یعنی کنترل رفتار فرد را از دست داده است.

۴. بحث و بررسی

می‌توان میزان بهره‌گیری قهرمان رمان از این نظریه را در قالب داده‌های آماری مطرح کرد که این داده‌ها به این شرح می‌باشند:

ردیف	عنوان نیاز	تعداد	درصد
۱	فهم	۱۰	٪۳۲,۲۵
۲	سلطه‌جویی و نمایش	۱	٪۳,۲۲
۳	نمایش	۲	٪۶,۴۵
۴	میل جنسی	۳	٪۹,۶۷
۵	طرد و خویشتن‌پایی	۱	٪۳,۲۲
۶	خویشتن‌پایی	۱	٪۳,۲۲
۷	دنباله‌روی	۲	٪۶,۴۵
۸	آسیب‌گریزی	۴	٪۱۲,۹۰
۹	مهرورزی	۴	٪۱۲,۹۰
۱۰	پرخاشگری	۳	٪۹,۶۷
	جمع	۳۱	٪۱۰۰
ملاحظات: به تعداد سؤالات پرسیده شده			

میزان استفاده قهرمان رمان از نیازها را می‌توان در سه طبقه‌بندی کلی و یک طبقه‌بندی جزئی نشان داد: طبقه‌بندی کلی اول (نیازهای حفظ‌کننده / سازنده): نیازهای حفظ‌کننده سبب کسب تعامل حیاتی و برآورده شدن نیازهای فیزیولوژیک و نیازهای سازنده سبب ایجاد تعادلی برتر می‌شوند. از طریق نیاز سازنده انسان به خودشکوفایی و رشد می‌رسد. (شیرافکن، ۱۳۹۱: ۳۱۲) علی جرجار نیز غالباً از نیازهای حفظ‌کننده برای از بین بردن تنش‌های پیرامونی خود استفاده کرده است و سعی دارد تا با بهره‌گیری از این دسته نیازها، بیشتر به تمایلات فیزیولوژیک خود پاسخ دهد. نیازهای آسیب‌گریزی، پرخاشگری، میل جنسی، سلطه‌جویی و نمایش در دسته‌بندی اول و نیازهای دنباله‌روی، فهم و مهرورزی در دسته‌بندی دوم قرار می‌گیرند. طبقه‌بندی کلی دوم (نیازهای آشکار / پنهان): نیازهای آشکار نیازهایی هستند که اجازه بیان و ابراز به آن از طریق فرهنگ و جامعه داده می‌شود و نیازهای مهرورزی، آسیب‌گریزی، فهم و نمایش در این طبقه بندی قرار می‌گیرند؛ اما جامعه و فرهنگ به نیازهای پنهان اجازه بروز و ظهور نمی‌دهد، بلکه به صورت کلی یا جزئی ناهشیار باقی می‌ماند و مفروضات خود را اساساً در رؤیاهای، خیال‌پردازی‌ها، برون‌فکنی‌ها و نشانه‌های روان‌رنجوری جستجو می‌کند. (شیرافکن، ۱۳۹۱: ۳۱۶) نیازهای پرخاشگری، سلطه‌جویی، میل

جنسی و طرد در این دسته قرار می‌گیرند. در متن داستان، این‌گونه به نظر می‌آید که قهرمان رمان، به صورت ناخودآگاه از هر دو دسته به صورت یکسان استفاده کرده است.

طبقه‌بندی کلی سوم (نیازهای اثرگذاری / کیفیت): علی جرجار در مقایسه با نیازهای اثرگذار، بیشتر از نیازهای «کیفیت» بهره‌جسته است که پاسخ به این دسته از نیازها از طریق خود فعالیت و نه پیوند صرف آن با نتایج پایانی ظهور پیدا می‌کند و نیازهای میل جنسی، دنباله‌روی، آسیب‌گریزی، خواری‌طلبی، پرخاشگری، سلطه‌جویی و نمایش در این دسته قرار می‌گیرند. در مقابل، نیازهای اثرگذار، نیازهایی هستند که اثر آن مربوط به برخی هدف‌های مستقیم یا بخصوص است؛ نیازهایی که در این طبقه قرار می‌گیرند به سوی نتایج ملموس جهت داده می‌شوند و نیازهای فهم، خویشن‌پایی و مهرورزی را در برمی‌گیرد. (شیرافکن، ۱۳۹۱: ۳۱۷)

طبقه‌بندی جزئی (نخستین^{۱۹} / ثانویه^{۲۰} / واکنشی^{۲۱} / کنشی^{۲۲}): نیازهای نخستین از حالت‌های درونی بدن ناشی می‌شود و نیازهای ضروری برای بقا؛ مانند نیاز به غذا، آب، هوا، آسیب‌گریزی و نیازهایی؛ نظیر میل جنسی و شناخت حسی را شامل می‌شود. (الطهراوی، ۲۰۱۴: ۲۲)

نیازهای ثانویه، به طور غیرمستقیم از نیازهای اولیه ناشی می‌شوند و ناحیه‌ای مشخص درون بدن ندارند. علت اینکه آنها ثانویه نامیده می‌شوند، کم اهمیت بودن آنها نیست؛ بلکه به این دلیل است که پس از نیازهای نخستین به وجود می‌آیند. این نیازها به ارضای عاطفی مربوط هستند و اغلب نیازهای فهرست موری؛ همچون نیازهای پرخاشگری، سلطه‌جویی، طرد، مهرورزی و دنباله‌روی را شامل می‌شوند. (الدسوقی و موسی، ۲۰۱۱: ۴۳۸)

نیازهای واکنشی و خودجوش در پاسخ به چیز خاصی در محیط ایجاد شده و فقط در صورت ظهور آن چیز برانگیخته می‌شوند. آنها نیازهای خودانگیخته‌ای هستند که هر وقت برانگیخته شوند، مستقل از محیط، رفتار خاصی را فرا می‌خوانند و باعث ایجاد یک رفتار در مقابل یک شیء خاص می‌شوند. (شولتز و شولتز، ۱۳۷۷: ۲۲۴) دسته آخر به نیازهای کنشی تعلق دارد؛ این نیازها به حضور شیء یا عامل خاصی متکی نیست و خود به خود به وجود می‌آیند. (گنجی و گنجی، ۱۳۹۳: ۳۷۲-۳۷۱)

در این رمان، قهرمان داستان غالباً از نیازهایی بهره‌جسته که در زمره نیازهای «ثانویه» به شمار می‌آید و با استفاده از نیازهای این دسته‌بندی، بخش عاطفی شخصیت خویش را ارضا کرده‌است.

غلبه یک نیاز بر دیگری از نظر موری می‌تواند به دلیل عدم ارضای درست آن نیاز باشد. او بر این اعتقاد بود که اگر یک نیاز به صورت کامل ارضا نشود، ممکن است بر شخصیت فرد سلطه پیدا کند و اختیار او را در دست گیرد؛ در رمان می‌توان شاهد این موضوع بود که نیاز به فهم ابتدا بر شخصیت او غلبه داشته که دلیل آن می‌تواند عدم توانایی علی جرجار به کسب اطلاعات بیشتر درباره موضوع مورد

نظرش باشد و نیاز به آسیب‌گریزی در رتبه بعدی قرار دارد که دلیل آن می‌تواند این موضوع باشد که او در دوران گذشته زندگی‌اش آسیب‌های جسمانی بسیاری را متحمل شده است و به همین دلیل سعی می‌کند تا با مراقبت بیشتر از خود این نقیصه را برطرف کند.

ریشه این نیازها در قهرمان رمان را باید در عوامل اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی که می‌توان آنها را «آلفاپرس» قلمداد کرد، جستجو نمود.

می‌توان از فقر قهرمان و افراد محله به عنوان نمونه‌ای برای مشکلات اقتصادی یادکرد. طبق آخرین آمار منتشرشده از سوی سازمان ملل متحد، این کشور در سال ۲۰۱۳ در زمره ۵ کشور اول از نظر شاخص گرسنگی و گسترده‌گی آن است. (Grember & other, 2013: 56-50) در رمان، قهرمان داستان فردی فقیر است که حتی برای تأمین نیازهای زندگی خود ناچار بود مایحتاج خود را به صورت نسبه خریداری کند «... وفي أحدى السنوات حين وصلتُ دُيونی عنده مبلغاً أحس به قد یجرحُ طبیته وصره و یضطره إلى إغلاق دفاتره في وجهي» (تاج السر، ۲۰۰۹: ۴۰) تا جایی که این موضوع پیش می‌آید که وی حتی قادر به تسویه حساب خود نبود و سعی داشت تا با توسل به نهادهای خیریه حساب خود را تسویه کند.

از عوامل سیاسی قابل ذکر، فساد اداری و اقتصادی موجود در طبقه حاکم بر سودان است. آخرین آمار منتشرشده در سایت شفافیت بین‌المللی^{۳۳} به این موضوع اشاره دارد که این کشور در میان ۱۸۳ کشور جایگاه ۱۷۸ را در میزان فساد اقتصادی و اداری دارد و در شمار فاسدترین کشورهای جهان قرار می‌گیرد. (برگرفته از سایت شفافیت بین‌المللی^{۳۴} و قاهر دوست و همکاران، ۱۳۹۴: ۹۵) و نمونه‌ای از بحران‌های سیاسی موجود در این کشور به شمار می‌آید که نمود آن در داستان به این صورت مشخص می‌شود: (تاج السر، ۲۰۰۹: ۶۱) در این نمونه، علی جرجار اشاره می‌کند که سرمایه‌ای صرف برپایی ایستگاه آب شیرین-کن شد، ولی هیچگاه آب شیرینی به ساکنان شهر تحویل نداد؛ این که برای کاری بیهوده سرمایه‌ای خرج شود ولی آن کار عملی نشود، حکایت از فساد احتمالی موجود در روند دایرسازی دستگاه آب‌شیرین‌کن دارد. همچنین علی جرجار در عبارت «ثم سلمني رزمة من المال... و لا أدري أكانت من ماله الخاص، ام من بند حكومة منسي يستطيع مغازلته متى شاء...» (همان: ۶۲) می‌گوید که به او بسته‌ای پول داده شد تا مقدمات آمدن کاتیا را آماده کند ولی از منبع اصلی این پول اطلاعی ندارد و نمی‌داند که از جیب شخص مبروک است یا ردیف بودجه‌ای فراموش شده که در دست دارد؛ اینکه پولی در نهادهای دولتی بدون تعیین ردیف بودجه وجود داشته باشد، نشان‌دهنده آن است که رسیدگی به امور مالی در حکومت بسیار ضعیف است و نشانه‌ای از وجود سیستم فاسد در طبقه حاکمه در سودان است.

در خصوص مسائل فرهنگی و اجتماعی می‌توان به نرخ پایین سواد در سودان اشاره داشت؛ در این کشور، تنها ۱۰ درصد کودکان؛ یعنی ۶۰۰ هزار کودک مدرسه‌ای قادر به رفتن به مدرسه هستند. (کوک، ۱۳۷۳: ۴۱۳) بر طبق آخرین آمار منتشرشده از سوی یونسکو^{۲۵} و موسسه آمار^{۲۶} (UIS) از بین افراد واجد شرایط سوادآموزی (۳-۱۸ سال)، تنها حدود ۸۲۰ هزار نفر از این امکان بهره‌مند هستند و نزدیک به ۲,۷ میلیون نفر سواد خواندن و نوشتن ندارند^{۲۷}؛ موضوع بی‌سوادی مردم و همچنین زندگی عشایری باعث شده تا آنها از فناوری‌های رایج بین‌المللی دور و از آن بی‌اطلاعاتی باشند. این موضوع در رمان به این صورت قابل مشاهده است: «ایمن الحضاری، کان صبیأ یدرس فی إحدى المدارس الثانوية فی المدينة، لکنه أيضاً عرف سبکة التكنولوجيا والإنترنت ومواقع الدردشة واكتسب ثقافة كبيرة كان يبهو بها أهل الحي في كل مناسبة، وعن طريقه عرفنا كلنا ماذا تعني كلمات مثل ياهو وجوجل والمسنجر، وماذا يمكن أن يضم موقعا مثل يوتيوب أو الإخوة أونلاين» (تاج‌السر، ۲۰۰۹: ۳۰ و ۳۱) در بین اهالی محله تنها یک پسر جوان است که از این موضوعات سررشته دارد و آنها را به مردم معرفی می‌کند؛ به‌گونه‌ای که این موضوع باعث تعجب و حیرت سایر اهالی محله می‌شود.

یکی از مشکلات اجتماعی موجود در جامعه مورد نظر این است که افرادی؛ مانند رمالان جایگاه ویژه‌ای در بین افراد محله دارند؛ برای نمونه در این جمله: «وجدت وجهي ملتصقا باب أعرفه جيدا، باب حليمة قارئة المصائر، تلك التي اختارها حكيم النبوي ضلعاً في لجنة السداسية.» (همان: ۲۲) رمالان در تصمیم‌گیری‌های مهم شرکت داده می‌شوند و مردم برای آنها ارزش زیادی قائل هستند.

می‌توان به این نتیجه رسید که عوامل اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی جامعه سودان سبب‌شده است تا اهالی این محله که به نوعی نمونه‌ای از جامعه سودان به حساب می‌آیند، در پی مأمونی برای رهایی از غرقاب موجود باشند. آنها در این مسیر به جایی می‌رسند که فرهنگ غرب را در حکم یک پناهگاه امن و راه نجات خود تصور کرده، غیریت خود را در برابر غرب می‌پذیرند و برای رسیدن به آن حتی به صورت ارادی به خبر آمدن یک بانوی فرانسوی هم امید می‌بندند. می‌توان گفت که با وجود درست بودن هدف که همان پیشرفت و رسیدن به مدارج بالاست، راه رسیدن و تصورکردن فرهنگ غرب و نماینده آن به مثابه یک اسطوره و هدف، باعث ایجاد مشکلاتی در راه رسیدن به این آرزو می‌شود و تسلط آنها بر رفتارشان از بین می‌رود؛ همانطور که در روند انحطاط شخصیت علی جرجار این موضوع قابل مشاهده است.

۵. نقدی بر نظریه هنری موری

علی‌رغم اهمیت نظریه هنری موری، انتقاداتی نیز به آن وارد شده است. اول اینکه طبقه‌بندی نیازها پیچیده است و همپوشانی زیادی میان آنها وجود دارد؛ و هر نیاز در کنار استقلالی که دارد، می‌تواند با نیازی دیگر همپوشانی داشته و مکمل نیاز دیگری باشد. این مشخص نبودن مرز میان نیازها، پژوهشگر را در تحلیل دچار مشکل می‌کند. اشکال دیگر این است که مشخص نیست که این نیازها در چه وضعیتی به دیگر وجوه شخصیتی مربوط می‌شوند و چگونه در درون فرد رشد می‌یابند. مبهم‌بودن واحدهای زمانی موجود در نظریه نیازها از دیگر اشکالات این نظریه است. (کریمی، ۱۳۷۰: ۲۳۷-۲۳۸)

نتیجه‌گیری

با بررسی و تحلیل فهرست نیازهای هنری موری و تطبیق متن داستان با این فهرست این نتایج حاصل شد: در این داستان، آلفاپرس که عوامل مختلفی از جمله فقر، فساد اقتصادی و سیاسی و مشکلات فرهنگی را شامل می‌شود، سبب شده تا بتاپرس به علی جرجار غلبه کند و در پی آن و او را به برآورده ساختن نیازهایش از طریق انجام اقداماتی وادار سازد.

علی جرجار به عنوان نماینده جامعه سودان، غالباً از نیازهای حفظ‌کننده و کیفیتی در مقابل نیازهای سازنده و اثرگذار استفاده کرده و همچنین در پی پاسخگویی به نیازهای ثانویه خود بوده است. «نیاز جنسی» که در دسته‌بندی نیازهای اولیه به شمار می‌رود، در ابتدای داستان وجود دارد ولی وی پس از شنیدن خبر آمدن کاتیا، نیاز اولیه خود را از بین برده، به نوعی آن را بی‌اثر می‌نماید و به دنبال برطرف کردن نیازهای ثانویه خود می‌رود؛ او از پاسخگویی به نیاز «فهم» خود شروع می‌کند و سعی می‌کند تا آن را بر طرف سازد. در این داستان، نیازهای دنباله‌روی، طرد، خویش‌نمایی، نیاز به همدردی، آسیب‌گریزی، سلطه‌جویی، نمایش و پرخاشگری خود را نشان می‌دهند و به پرخاشگری منجر می‌شوند که نشان می‌دهد بُعد منطقی شخصیت او کارکرد طبیعی خود را از دست داده و از نظر روانی دچار فروپاشی و از هم گسستگی شده است.

نیاز به «فهم» در صدر جدول میزان استفاده قهرمان رمان از این نظریه به شمار می‌آید؛ قهرمان رمان سعی دارد تا با توسل به کسب اطلاعات مختلف درخصوص هدف (مهمان فرانسوی محله)، نیاز به فهمیدن را در خود بر طرف کند؛ اما از آنجا که هدف علی جرجار مبهم است و بدان دسترسی ندارد، سعی می‌کند دنیایی تخیلی برای خویش تجسم کند و در تخیلش خطوط ارتباطی خویش را با آن هدف، پررنگ‌تر سازد؛ اما در این مسیر نیز موفق نمی‌شود. پس از «فهم»، نیاز به «مهرورزی» برای جذب دیگران و همگام ساختن آنها با خود برای رسیدن به این هدف، «آسیب‌گریزی» به منظور دوری از مشکلات پیش‌روی و مواجه‌نشدن با خطرات احتمالی، «پرخاشگری» به دلیل عدم پاسخگویی به نیاز فهم و جوابگو نبودن دنیای

خیالی برای نیل به اهداف، در رتبه‌های بعدی قرار دارند؛ اما نیاز به پرخاشگری با شدت عمل بیشتری خود را نشان می‌دهد.

پی‌نوشت‌ها

۱. خلاصه رمان: رمان العطر الفرنسي داستان فردی به نام «علی جرجار» را روایت می‌کند. در یکی از روزها به او خبر می‌رسد که بانویی فرانسوی به نام «کاتیا» برای انجام تحقیقاتی بین‌المللی، به محله فقیرنشین آنها «حی الغائب» سفر کرده است. علی جرجار با پر و بال‌دادن به این خبر، آن را به سمع اهالی محل می‌رساند. جرجار بدون ملاقات با آن زن، شیفته وی شده و با عکس‌های وی روزگار خویش را سپری می‌کند. اندک اندک او در خیال خود غرق می‌شود و تصور می‌کند که توانسته دل کاتیا را برآید و با او ازدواج کند؛ اما رفته رفته در خیال خود نسبت به رفتارهایی که مردم در این مورد داشتند، موضع‌گیری‌هایی گاه همراه با عصبانیت از خود بروز می‌دهد. وی تا جایی در این علاقه افراط می‌کند که تصور می‌کند تمام افراد محله نسبت به کاتیا چشم طمع دارند و کاتیا در حال خیانت به اوست، در نتیجه به اهالی محله حمله می‌کند و افرادی را مجروح می‌نماید و یا به قتل می‌رساند. در نهایت هم در خیال خود به کاتیا حمله کرده و او را در حالی که باردار است، می‌کشد. پس از اینکه کاتیا را به قتل رساند پلیس او را دستگیر می‌کند و در حال انتقال به زندان مشاهده می‌کند که خودرو دولتی در محله آنها ایستاده و بانویی غربی (کاتیا) از آن پیاده می‌شود.

2. Henry Murray
3. Press
4. Alpha press
5. Beta press
6. Need
7. Prepotent
8. Thema
9. Understanding need
10. Dominance
11. Exhibition
12. Sex need
13. rejection
14. defendance
15. Deference
16. Nurturance
17. Harm Voidance
18. Aggression
19. Primary need
20. Secondary needs
21. Reactive needs
22. Proactive needs
23. Transparency international
24. <http://www.transparency.org>
25. UNESCO
26. <http://data.uis.unesco.org>

27. <http://www.unocha.org/Sudan>

فهرست منابع

منابع فارسی و عربی

- بخشی، بهناز. (۱۳۹۳). «نقد روانشناختی شخصیت‌های مجموعه داستان‌های کوتاه غلامحسین ساعدی»؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه ولی عصر (عج) رفسنجان.
- بوخطة، مریم، رؤیة سعداوی و هاجر حربوش. (۲۰۱۴). «الحاجات الإرشادية لتلاميذ المرحلة الثانوية»؛ قسم علم النفس إرشاد و توجیه، ورقلة: جامعة قاصری مریاح.
- تاج السرا، امیر، (۲۰۰۹)، *العطر الفرنسي*؛ بیروت: الدار العربية للعلوم ناشرون.
- الدسوقی، مديحة منصور و رشاد عبدالعزيز موسى. (۲۰۱۱). *علم النفس بين المفهوم و القياس*؛ مصر، القاهرة: عالم الكتب.
- الرشیدی، هارون توفیق. (۱۹۹۹). *الضغوط النفسية طبيعتها نظرياتها*؛ قاهره: دارالشروق.
- روتر، جولیان. (۱۹۷۶). *علم النفس الالكلينيكي*؛ ترجمة الدكتور عطية محمد هنا، الطبعة الثانية، بیروت: دارالشروق.
- شولتز، دوان و سيدنى الن شولتز. (۱۳۷۷). *نظريه‌های شخصیت*؛ ترجمه يحيى سيدمحمدی، تهران: نشر هما.
- شیرافکن، علی. (۱۳۹۱). *نظريه‌های شخصیت*؛ چاپ دوم، تهران: پوران پژوهش.
- الطهراوی، اسلام جميل. (۲۰۱۴). «الحاجات النفسية المشبعة لدى مستخدمي شبكة التواصل الاجتماعي، «الفييس بوك» من طلبة الجامعات»؛ كلية التربية، قسم الصحة النفسية المجتمعية، الجامعة الإسلامية، غزة.
- فاروق، السيد عثمان. (۲۰۰۱). *القلق وإدارة الضغوط النفسية*؛ قاهره: دارالفكر العربي.
- فرزاد، عبدالحسين. (۱۳۸۸). *درباره نقد ادبی*؛ چاپ پنجم، تهران: نشر قطره.
- قاهر دوست، علیرضا و دیگران. (۱۳۹۴). «بررسی چگونگی حقوق و دستمزد بر کاهش فساد اداری و مالی»؛ فصلنامه مطالعات علوم انسانی، دانشکده مدیریت دانشگاه هوایی شهیدستاری، تهران، سال پنجم، شماره ۱۵، صص ۸۵-۱۰۸.

- کالفین، هول و جاردنر لیندزی. (۱۹۷۸). *نظریات الشخصية؛* ترجمة د. فرج احمد فرج و الآخرون، الطبعة الثانية، القاهرة: الهيئة العامة للكتاب.
- کریمی، یوسف. (۱۳۷۰). *روانشناسی شخصیت؛* چاپ چهارم، تهران: دانشگاه پیام نور.
- کوک، ژورف. ام. (۱۳۷۳). *مسلمانان آفریقا؛* ترجمه سید اسدالله علوی، مشهد: آستان قدس رضوی.
- گنجی، حمزه و مهدی گنجی. (۱۳۹۳). *نظریه های شخصیت؛* چاپ دوم، تهران: نشر ساولان.
- مورای، ادوارد. ج. (۱۹۸۸). *الدافعية و الإنفعال؛* ترجمة عبدالعزيز سلامة، القاهرة: دارالشروق.
- المياحي، جعفر عبدالكاظم. (۲۰۱۰). *دوافع السلوك؛* عمان، اردن: دارالكنوز المعرفة للنشر و التوزيع.
- منابع انگلیسی

-Grember, Klaus von & other.(2013). **global hunger index, The challenge of Hunger: building resilience to achieve food and nutrition security**": Washington D.C. Dublin.

دراسة سيكولوجية لبطل الرواية «العطر الفرنسي» بناءً على نظرية «الاحتياجات» لهنري موراي*

بهنام فارسي، أستاذ مساعد في قسم اللغة العربية وآدابها بجامعة يزد.

سلما قيومي، طالبة ماجستير في فرع اللغة العربية وآدابها بجامعة يزد.

الملخص

النقد النفسي، برغم الغموض والتناقض في تحديده، هو أحد اتجاهات النقد الأدبي المعاصر الذي يساعد الباحثين في التحليل النفسي للشخصيات والفهم الصحيح للأعمال الأدبية. وإحدى النظريات المطروحة في هذا المنهج النقدي هي نظرية «الاحتياجات» التي طرحها العالم النفسي الأمريكي "هنري موراي" لأول مرة حيث يعتقد أن الاحتياجات تعود إلى الضغوط التي تظهر في الشخص، ويستجيب الرجل لهذه الاحتياجات بطرق مختلفة من أجل إزاحة تلك الضغوط. فتهدف هذه الدراسة معتمدة على المنهج الوصفي - التحليلي والإحصائي، إلى البحث عن أسباب ظهور الاحتياجات عند البطل في رواية «العطر الفرنسي» وإلى تحديد أهم احتياجاته والكشف عن أسباب تغلب احتياج ما على الاحتياجات الأخرى. نظراً لنتائج البحث، فيمكن القول بأن المشاكل الاجتماعية والاقتصادية والسياسية التي تُعتبر «ألفا بريس» تؤدي إلى ظهور الضغط النفسي «بيتابرس» والذي يتبعه ظهور الاحتياجات عند بطل الرواية، إذ يحاول بطل الرواية ضمن تلبية الاحتياجات الثانوية مثل الفهم والسيطرة والاعتراض والرغبة الجنسية والرفض والسيطرة على النفس والعطف على الآخرين والاستقلال الذاتي والعدوان، التغلب على الضغوط الداخلية والخارجية. ولكن في نهاية المطاف يتعرض بطل الرواية بانهايار الشخصية، إلا أن كثرة التبلور لاحتياج «الفهم» في هذه الرواية تشير إلى عدم التلبية الصحيحة والكاملة لها.

كلمات مفتاحية: النقد النفسي، هنري موراي، نظرية الإحتياجات، أمير تاج السر، العطر الفرنسي.

* تاريخ الوصول: ١٣٩٨/٠٨/٠٤ هـ ش - ٢٠١٩/١٠/٢٦ م تاريخ القبول: ١٣٩٨/١٠/٠٣ هـ ش - ٢٠١٩/١٢/٢٤ م

عنوان البريد الإلكتروني للكاتب المسؤول: behnam.farsi@yazd.ac.ir

المعرّف الرقمي (DOI): 10.30479/lm.2019.12054.2920